

نقش خاطره جمعی در باززنده سازی بافت های شهری: ارائه راهکار در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان

مصطفی حسینی کومله^۱، فاطمه ستوده علمباز^۲

^۱ کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۲ کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۷/۲)

چکیده

زیستگاه های انسانی آکنده از خاطراتی هستند که ساکنان از گذشته های خویش در ذهن دارند. این خاطرات گاه فردی و شخصی بوده و گاه از ماهیت جمعی برخوردارند. هدف از نوشتار حاضر، بررسی نقش خاطرات جمعی در باززنده سازی و احیای بافت های شهری است. در این نوشتار، ضمن اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی، کنکاشی نظری در خصوص مفاهیم خاطره جمعی و باززنده سازی شهری صورت گرفته و ایجاد یا ارتقای "حس تعلق"، "انسجام اجتماعی" و "حس مکان" به عنوان کارکردهای روانشناختی، اجتماعی و محیطی خاطره جمعی مورد اشاره قرار گرفته و در پی آن تأثیر خاطره جمعی از طریق این کارکردها بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، کالبدی-فضایی، مدیریتی و فرهنگی باززنده سازی شهری نشان داده شده است. در پایان با اتخاذ رویکرد توصیفی-تطبیقی، صحت نتایج حاصله، از طریق انطباق با یک نمونه موردی موفق (باززنده سازی محله برونزویل شیکاگو) و مقایسه آن با ناحیه تاریخی لاهیجان که به دلیل توجه مدیریت شهری به محدوده اکوتوریستی شهرها شده و بسیاری از خاطرات در آن رنگ باخته اند و ارائه یک تحلیل تطبیقی به آزمون گذاشته می شود و سرانجام بر پایه مطالعه تجربه موفق برونزویل و چارچوب نظری ارائه شده، اقداماتی که در نتیجه سهل انگاری و کم توجهی مدیریت شهری لاهیجان صورت واقعیت به خود نگرفته اند، پیشنهاد می شوند.

واژه های کلیدی

خاطره جمعی، باززنده سازی شهری، حس تعلق به مکان، انسجام اجتماعی، حس مکان.

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۰۹۱۲۸۳۹۲۸۵۱، شماره: ۰۰۲۱-۲۲۷۵۴۵۸۵، E-mail: mostafa_name@yahoo.com

مقدمه

بخش نخست به مطالعه ردپای تاریخی مفهوم خاطره جمعی و ارائه دیدگاه‌های صاحب‌نظران و همچنین بازشناسی کارکردهای خاطره جمعی پرداخته خواهد شد. در بخش دوم سیر تکامل مفهوم باززنده‌سازی شهری و ابعاد گوناگونش مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. بخش سوم به نقش خاطره جمعی در ابعاد گوناگون باززنده‌سازی می‌پردازد و در بخش چهارم نیز میزان تاثیر خاطرات جمعی در باززنده‌سازی برونزویل شیکاگو به عنوان یک تجربه موفق و همچنین نمونه موردی ناموفق ناحیه تاریخی لاهیجان که در تصور ذهنی شهروندان و در نگاه مدیریت شهری تحت‌الشعاع ناحیه اکوتوریستی شهر قرار گرفته و خاطرات جمعی شهروندان در آن در حال کمرنگ شدن می‌باشند، مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. همچنین در این بخش ضمن انطباق نتایج حاصله از بخش سوم با دو نمونه موردی یادشده، بر پایه مطالعه تجربه موفق برونزویل و چارچوب نظری ارائه شده به پیشنهاد راهکارها و اقداماتی در راستای باززنده‌سازی ناحیه تاریخی لاهیجان بر پایه خاطرات جمعی شهروندان، پرداخته می‌شود.

شهرها، روستاها و مجموعه‌های زیستی، سرشار از خاطراتی است که در ذهن ساکنان، جایگاهی همیشه ماندنی دارند. خاطراتی که گاه فردی‌اند و از جایگاه مهمی در بیوگرافی فرد برخوردارند و گاه، جمعی و در میان همه شهروندان و اعضای جامعه، مشترک. خاطراتی از گذشته‌های مشترک که پیوندی ناگسستنی با هویت جمعی افراد و هویت مکانی پیدا می‌کنند. خاطره‌زدایی و انقطاع از گذشته در دنیای مدرن موجب شده است تا در قرن معاصر، برخی از این خاطره‌های مشترک مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته و مکان‌های خاطره‌انگیز از میان رفته یا دچار دگرگونی‌های اساسی گردند؛ که نمونه آن در شهرهای کشورمان، فراوان به چشم می‌خورد.

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود، که آیا می‌توان از خاطرات جمعی ماندگار (خاطرات دیرپایی که در افراد وابستگی‌های فراوانی ایجاد می‌کنند)، در جهت باززنده‌سازی بافت‌های شهری، بهره‌گیری کرد؟ نوشتار حاضر کوششی است در راستای پاسخ به این پرسش و در این راستا، ساختاری ۴ بخشی دارد. در

۱- کنکاشی نظری در مفهوم "خاطره جمعی"

شهرها و روستاها، همواره آکنده از خاطراتی هستند که ساکنان از گذشته‌های خویش در ذهن دارند. این خاطرات گاه فردی و شخصی بوده و گاه از ماهیت جمعی و گروهی برخوردارند. این بخش به جستاری نظری درباره مفهوم "خاطره جمعی" به عنوان خاطره مشترک ساکنان یک مجموعه زیستی از گذشته مشترک خویش خواهد پرداخت.

۱-۱- ریشه‌های تاریخی مفهوم "خاطره جمعی"

در حالی که مفهوم خاطره در علوم بیولوژیک و شناختی، بیشتر به عنوان یک ظرفیت فردی شناخته می‌شود، علوم اجتماعی معمولاً از خاطره به عنوان یک پدیدار جمعی تعبیر می‌کنند. واژه خاطره جمعی در بسترهای مطالعاتی گوناگونی به کار گرفته شده است؛ از گونه‌های مختلف ناسیونالیسم در حیطه تاریخ و علوم انسانی گرفته تا حالت‌های مختلفی از آداب و رسوم و جشن‌های یادبود در حیطه انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی. همه این رویکردها در این نقطه مشترک هستند که خاطره جمعی، خاطره «فرا فردی» است، اما اغلب در تشریح این ایده با یکدیگر اختلاف دارند (Wilson, 2005).

اساساً مفهوم خاطره جمعی بر فرضیه «ذهن گروهی»^۱ استوار است. بر پایه این فرضیه، گروه‌هایی همانند افراد ذهن دارند. در نگاه تاریخی، ردپای فرضیه ذهن گروهی را می‌توان در دو سنت فکری متفاوت جستجو کرد: سنت فکری روان‌شناسی جمعی و سنت فکری سوپراگانیزم.^۲ سنت سوپراگانیزم توسط اکولوژیست‌ها،

گیاه‌شناسان، حشره‌شناسان و... برای توصیف ذهن گروهی جانوران، حشرات و... و مطالعه اجتماعات ارگانیزم‌ها (موجودات زنده) استفاده شده است. در حالی که سنت روان‌شناسی جمعی، در اواخر قرن ۱۹ با آثار مورخان، جامعه‌شناسان (امیل دورکهایم^۳ و...)، جرم‌شناسان، رمان‌نویسان (امیل زولا^۴ و...) و با ادراک مفهوم "توده یا انبوه خلق"^۵ آغاز شد. در سنت روان‌شناسی جمعی، دو شاخه فکری قابل تشخیص است. نخست نگاه منفی به روان‌شناسی جمعی، که روان‌شناسی توده (به عنوان پدیده‌ای عاطفی، ناخودآگاه و غیرقابل کنترل) را در برابر روان‌شناسی فردی (به عنوان پدیده‌ای عقلانی، آگاهانه و کنترل شده) قرار می‌دهد (شاخص‌ترین اثر در این رویکرد: "توده" نوشته گوستاو لوبون^۶ (۱۸۹۵) است). سپس نگاه خوش بین به روان‌شناسی مربوط به گروه‌های مردم (روان‌شناسی جمعی) که با تمرکز بر مفهوم "ذهن گروهی" مطرح می‌شود (Wilson, 2005).

۱-۲- موریس هالبواکس^۷ و مفهوم "خاطره جمعی"

عبارت "خاطره جمعی"، برای نخستین بار، توسط موریس هالبواکس جامعه‌شناس فرانسوی به ویژه در مقاله "چارچوب‌های اجتماعی خاطره" و کتاب مشهور "خاطره جمعی"^۸ به کار گرفته و معرفی شد. هالبواکس تحت تاثیر امیل دورکهایم جامعه‌شناس، به سنت روان‌شناسی جمعی و شاخه فکری جدیدتر و خوش بین‌ترین سنت تعلق دارد (Wilson, 2005). هالبواکس خاطره جمعی را یک ظرفیت فردی روان‌شناختی

به مثابه تاریخ یاد کرده و به دو روش تاریخی نگاه به شهر اشاره می کند. نخست "شهر به مثابه یک عنصر مصنوع مادی"^{۱۲} که ردپای زمان بر روی آن به چشم می خورد و دیگر تاریخ به مثابه مطالعه ساختار شکل گیری مصنوعات شهر^{۱۳}. ... (Rossi, 1982, 128). همین نگاه دوم، رویکرد روسی را به چگونگی شکل گیری ژرف ترین ساختار مصنوعات شهری (فرم شهر) شکل می دهد: فرآیندی که روسی از آن به عنوان معماری شهر یاد می کند. روسی ضمن توصیف تاریخ شهر به "روح شهر"، آن را علامت و امضایی می داند که ردپای دیوارهای شهرداری، به عنوان هویت تعریف شده و متمایز شهر و به بیان دیگر به عنوان خاطره اش وجود دارد. "... می توان گفت که شهر خود، خاطره جمعی مردمش است و مانند خاطره در پیوند با اشیاء و مکان هاست. شهر تجلی گاه خاطره جمعی است. بنابراین، رابطه میان این تجلی گاه و شهروندی، تصور غالب شهر از معماری و لندسکیپ را می سازد، هنگامی که مصنوعات مشخص به بخشی از خاطره تبدیل می شود، تصویر جدیدی در ذهن پدیدار می شود..." (Ibid, 130).

۱-۴- جمع بندی: ارائه یک چارچوب نظری

از دید هالبواکس، خاطره جمعی، خاطره ای فرافردی و ظرفیتی روان شناسی است که به طور اجتماعی بروز می یابد. همه آن چیزهایی که به طور گزینشی و توافق شده توسط اعضای یک گروه به یاد می آید و همچون اسطوره در ذهنشان جای می گیرد. از دید آیرمن، خاطره جمعی به صورت یک نقشه زمانی، یک ملت یا یک جامعه را از طریق زمان یا فضا به هم پیوند داده، به هویت فردی شکل می دهد. کوین لینچ در این رابطه وجود یک "تصویر ذهنی- زمانی"^{۱۴} را مانند وجود یک تصویر "ذهنی- فضایی"^{۱۵} واضح از مکان، برای سلامت روانی افراد در محیط لازم می داند (گلکار، ۱۳۷۸، ۳۶ به نقل از: Lynch, 1972). از دید "بی فوتوان"^{۱۶} نیز مواجهه ما با اشیاء و مکان های به جامانده از گذشته، این قدرت را دارد که حس روشنی از گذشته خویش را در ما ایجاد کند؛ که این امر، رابطه تنگاتنگی با "هویت شخص" و "هویت مکانی" دارد (همان، ۳۷، به نقل از Hull, IV, et al., 1994, 110) (نمودار ۱)؛ که ایجاد هویت مکانی نیز خود، موجب ارتقای حس مکان خواهد شد.

می داند که به طور اجتماعی بروز می یابد. پایه شکل گیری تفکر او، نشان دادن تضادی میان خاطره فردی و جمعی است. هالبواکس، خاطره فردی را «خاطره شخصی» و «خاطره اتوبیوگرافیک»^{۱۷} و خاطره جمعی را «خاطره اجتماعی» و «خاطره تاریخی» می خواند. خاطره اتوبیوگرافیک، خاطره ای از چیزهایی است که شخص خود، در طول زندگی تجربه کرده و می تواند به خاطر بیاورد. اما خاطرات تاریخی، دامنه این خاطرات را به جهانی که از تجربه شخصی تجاوز می کند، گسترش می دهد. اینها هنوز چیزهایی هستند که "شخص به یاد می آورد"، حقایقی درباره کس یا چیزی که در مکانی که شخص در آن قرار گرفته، در تاریخ مشخصی قبل از تولد شخص رخ داده است (Halbwachs, 1980, 50-52). از دیدگاه هالبواکس، خاطره جمعی، خاطره همیشگی یک گروه و به یادآوری گزینشی و توافق شده میان اعضای آن گروه و از این نظر چیزی شبیه اسطوره است. از دید هالبواکس، خاطره جمعی برای شکل گیری تصویری که یک گروه از خود دارد، ضروری است و بنابراین باید به طور پیوسته برای سازگاری با وضعیت تاریخی تغییر یابد (Eyerman, 2002, 7).

مفهوم خاطره جمعی به عنوان یک مفهوم میان رشته ای، پس از هالبواکس، توسط دانشمندان بسیاری از تخصص های گوناگون دانشگاهی، به کار گرفته شد. رون آیرمن، استاد جامعه شناسی دانشگاه بیل آمریکا، در کتاب شوک فرهنگی: بردگی و شکل گیری هویت آفریقا-آمریکایی، از قول برنهاردگیسن عنوان می کند که خاطره جمعی ضمن مشخص کردن پارامترهای زمانی گذشته و آینده، برای فرد و جامعه به صورت نقشه زمانی ایجاد شده و بدینوسیله یک جامعه را از طریق زمان یا فضا به هم پیوند می دهد. در درون روایتی که با خاطره جمعی ایجاد می شود، هویت های فردی شکل می یابد. از این نظر، گذشته یک نقطه عطف زمانی است که به طور جمعی شکل یافته و بیش از اینکه در سازگاری با نیازهای فرد شکل یابد، به شخصیت او شکل می دهد (Ibid, 6-7).

۱-۳- "آلدو روسی" و "خاطره جمعی" در شهر

آلدو روسی معمار نو خردگرای ایتالیایی، نخستین کسی است که مفهوم خاطره جمعی هالبواکس را وارد ادبیات معماری و شهرسازی نمود. روسی در بخشی از کتاب مشهورش "معماری شهر"، از شهر



نمودار ۱- وجوه اهمیت خاطره جمعی از دیدگاه صاحب نظران.

آن اقدام یکپارچه و جامعی که به حل مشکلات شهری انجامیده و می‌کوشد بهبود مستمر و پایداری را در شرایط زیست‌محیطی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی بخش‌های تغییر یافته یا درآستانه تغییر شهر به ارمغان آورد" (Roberts, 2000, 17).

۱-۲- تکامل مفهوم باززنده سازی شهری در طول زمان

واژه احیاء و باززنده‌سازی شهری، برای نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا و پس از آن در دهه ۱۹۸۰ در کشورهای اروپایی، برای به‌کارگیری مجدد زمین‌های متروکه صنعتی-نظامی جهت ایجاد مراکز شهری سرزنده و فعال به کار گرفته شده؛ سپس در دهه ۱۹۹۰ در نواحی شلوغ، متراکم و دارای مشکلات عملکردی ادامه می‌یابد. در طول زمان، مفهوم باززنده‌سازی شهری از فرم ساده بهسازی زیرساخت‌ها و بافت‌های متروکه شهری، تا سازماندهی مجدد بافت‌ها، بهبود بخشیدن به اقتصاد شهری یا ایماز شهر^{۲۲}، تکامل یافته و در جستجوی تعامل و برابری اجتماعی بیشتر و مشارکت جامعه محلی و پیوند اجتماعی-حرفه‌ای در یک بستر چند عملکردی ارتقاء می‌یابد (UNEP, PAP/RAC, 2004). در سال ۲۰۰۳ میلادی، سازمان مشارکت‌های انگلستان^{۲۳}، باززنده‌سازی شهری را فرایند کل‌نگرانه‌ای می‌داند که از روند رو به زوال اقتصادی، اجتماعی و کالبدی نواحی شهری جلوگیری می‌کند (Cowan, 2005, 425). باززنده‌سازی شهری امروزه، از اجزای ضروری سیاست‌های شهری در مقیاس ملی و به دنبال تحقق بخشیدن به اصول توسعه پایدار همچون جلوگیری از پراکنش شهری، مقابله با آلودگی‌ها و مخاطرات زیست‌محیطی می‌باشد (UNEP, PAP/RAC, 2004, 8).

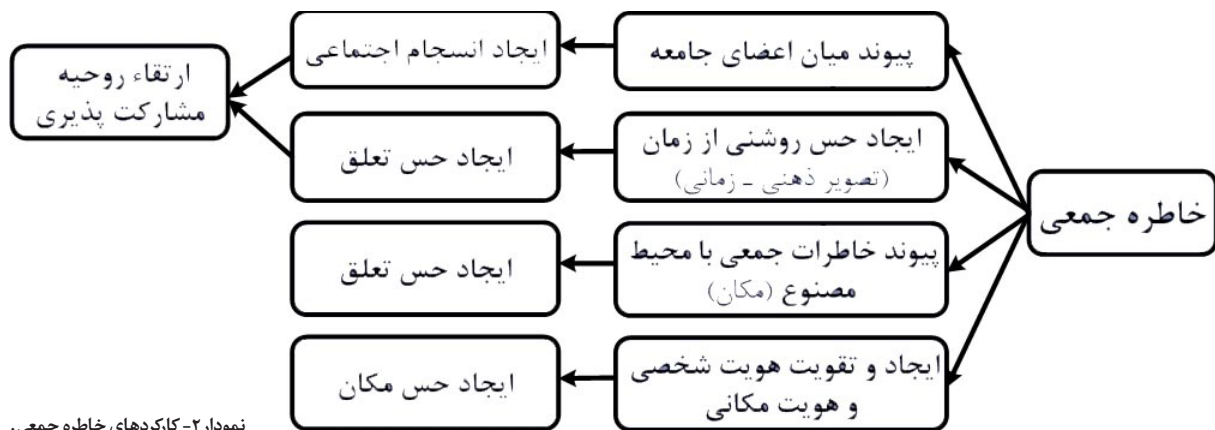
۲-۲- ابعاد چندگانه باززنده سازی شهری

با توجه به تعاریف ارائه شده، امروزه هدف از باززنده سازی شهری، در نظر گرفتن پیچیدگی و پویایی شهر است. باززنده‌سازی شهری پروژه‌ای است چندبعدی، مربوط به موقعیت‌های شهری گوناگون، معطوف به بازه‌های زمانی متفاوت که به طور هم‌زمان، نگاه به گذشته، حال و آینده دارد. بر پایه نگاهی دقیق‌تر به این تعاریف و همچنین مروری بر اسناد برخی تجارب موفق باززنده‌سازی شهری از جمله "راهنمایی برای باززنده‌سازی شهری

جک نسر، صاحب تئوری "تصویر ذهنی-ارزیابانه" محیط، در کتابی به همین نام ضمن اشاره به اهمیت ارزیابی در رفتارهای افراد، با خلق عبارت "مهرانگیزی شهری"^{۲۷}، دو عامل نقش‌انگیزی^{۲۸} و ایجاد تاثیر عاطفی و حسی قوی را بر مهرانگیزی بودن مکان موثر می‌داند. از دید او، اهمیت تاریخی یکی از پنج عاملی است که بر ترجیحات عاطفی و حسی افراد و از طریق آن بر مهرانگیزی یک مکان موثر است^{۲۹} (Nasar, 1997). مطالعات نسر به طور ضمنی نشانگر تاثیر خاطرات بر حس تعلق افراد به مکان می‌باشد. بدین ترتیب و به عبارتی دیگر می‌توان اتصال به زمان (خاطرات، امیدها و...) را یکی از عوامل ایجاد حس تعلق به مکان^{۳۰} دانست (پاکزاد، ۱۳۸۷). با توجه به مباحث پیش‌گفته می‌توان گفت که خاطرات جمعی در پیوند با اشیاء و مکان‌های به جامانده از گذشته، از طریق ایجاد حس روشنی از گذشته مشترک، از عوامل موثر بر ایجاد حس تعلق به مکان می‌باشند. همچنین این خاطرات با ایجاد پیوند میان اعضای جامعه، موجب ایجاد انسجام اجتماعی و تقویت روحیه جمعی و مشارکت‌پذیری افراد جامعه می‌شوند (نمودار ۲). اما نقش این عوامل در باززنده سازی بافت‌های شهری در بخش‌های بعدی بررسی خواهد شد.

۲- مفهوم "باززنده سازی شهری"^{۳۱}

باززنده سازی شهری معاصر تنوعی از موضوعات و مسائل را دربر می‌گیرد و از آنجایی که شهرها در حال تغییر و تحول دائمی هستند، این موضوعات و مسائل نیز تحت تاثیر محرک‌ها و متغیرهای گوناگون درونی و بیرونی به طور دائم تغییر می‌یابند. از این رو ارائه یک تعریف از مفهوم باززنده‌سازی شهری به طور گریزناپذیری نیازمند یک رویکرد یکپارچه و تحلیل جامع از پویایی و تغییرپذیری شرایط در شهرهای معاصر می‌باشد. باززنده‌سازی شهری به منظور بازگرداندن زندگی دوباره به جوامع و اقتصاد شهری و همچنین بهبود بخشیدن به اراضی فرسوده و فعالیت‌های ناکارآمد جاری در آن و ایجاد فرصت‌های نوین و محیط زیست بهتر برای نسل‌های بعدی انجام می‌گیرد (Lee & Rhee, 2007, 148-149). پیترا برتر در کتاب "راهنمایی در زمینه باززنده سازی شهری" منتشر شده توسط "انجمن باززنده سازی بریتانیا" به عنوان یک کتاب مرجع، باززنده سازی شهری را اینگونه تعریف می‌کند: "چشم‌انداز و در پی

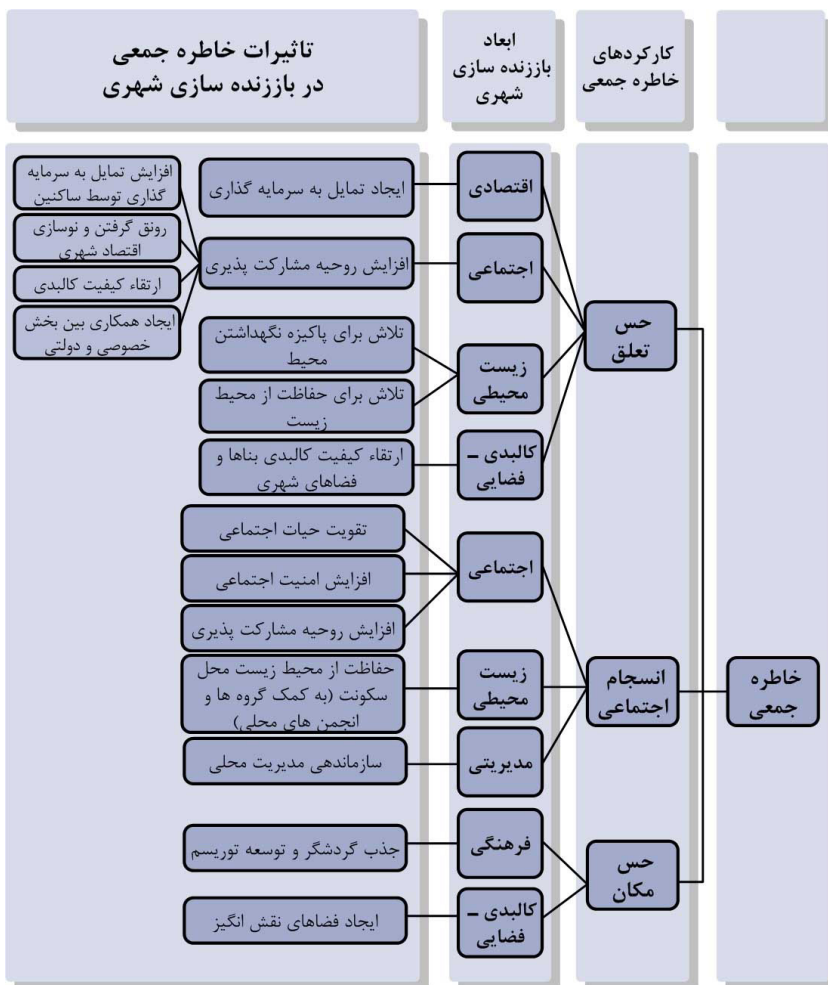


پویایی و پیچیدگی مساله شهر، این ابعاد بر روی یکدیگر تاثیر گذاشته و از هم تاثیر می پذیرند. برای مثال، توریسم شهری، هم می تواند در ارتباط با بعد فرهنگی و میراث فرهنگی شهر قرار گیرد و هم می تواند پایه جدیدی برای اقتصاد شهر به شمار آید. همچنین بهبود شرایط زیست محیطی و ارتقای روحیه مشارکت پذیری در افزایش تمایل به سرمایه گذاری موثر خواهد بود.

۳- نقش خاطرات جمعی در باززنده سازی بافت های شهری

همانگونه که در بخش های پیشین بدان اشاره شد، ایجاد حس تعلق به مکان، ایجاد انسجام اجتماعی، تقویت روحیه مشارکت پذیری و ارتقای حس مکان، از جمله کارکردهای خاطرات جمعی هستند. همچنین یک پروژه باززنده سازی، دارای ابعاد گوناگونی همچون ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، فرهنگی، کالبدی-فضایی، عملکردی و مدیریتی است. این بخش، در پی پاسخ دادن به این پرسش است که هر یک از کارکردهای خاطره جمعی، می توانند چه نقشی در ابعاد گوناگون باززنده سازی شهری ایفا کنند. در همین راستا نقش هر یک از کارکردها در هر یک از ابعاد مورد بررسی قرار خواهد گرفت (نمودار ۳).

در مناطق مدیترانه ای "منتشر شده در سال ۲۰۰۴، سند "چارچوب راهبردی باززنده سازی بخش شرقی منچستر"^{۲۴} که به عنوان یکی از تجارب موفق انگلستان در قالب دو سند راهبردی (در بازه های زمانی ۲۰۰۸-۲۰۱۸ و ۲۰۰۰-۲۰۰۸) ارائه شده و همچنین اسناد باززنده سازی و مرمت شهری سال های اخیر شهرهای نیویورک و بالتیمور^{۲۵} به عنوان دو نمونه از تجارب باززنده سازی شهری امریکایی، می توان ابعاد مهم باززنده سازی شهری را در هفت بخش اقتصادی (جذب سرمایه گذار، ایجاد فرصت های شغلی، و نوسازی اقتصاد شهری)، اجتماعی (افزایش انسجام اجتماعی و روحیه مشارکت پذیری و افزایش سرمایه اجتماعی)، زیست محیطی (مقابله با آلودگی های محیطی و بهبود کیفیت زندگی)، فرهنگی (ارتقای میراث فرهنگی و توریسم شهری)، عملکردی (بهبود شبکه دسترسی، شبکه حمل و نقل همگانی و کیفیت زیرساخت های شهری)، کالبدی-فضایی (ارتقای کیفیت کالبدی ساختمان ها، ایجاد شبکه ای منسجم از فضاهای همگانی، ایجاد فضاهای همگانی نقش انگیز و خوانا^{۲۶}) و مدیریتی (ایجاد مدیریت منسجم و یکپارچه، بازنگری در قوانین و مقررات، ایجاد همکاری میان بخش های خصوصی و دولتی) دسته بندی نمود. البته این دسته بندی به معنای عدم تاثیرگذاری متقابل ابعاد مختلف باززنده سازی شهری بر یکدیگر نیست، بلکه به دلیل



نمودار ۳- بررسی نقش خاطره جمعی در ابعاد گوناگون باززنده سازی شهری.

جنگ داخلی آمریکا، در جستجوی زندگی بهتر، راه شمال آمریکا را در پیش گرفتند. از دهه ۱۹۴۰ به بعد، سیاهان ماجراجو، در جستجوی کار، به سوی شیکاگو حرکت کرده و در بخش جنوبی مرکز شهر مستقر شدند (<http://dig.lib.niu.edu>). این محله از دهه ۲۰ تا دهه ۴۰ میلادی، یکی از نخستین مراکز فرهنگ آفریقا - آمریکایی و محله‌ای نسبتاً ثروتمند به شمار می‌رفت. دوران رکود بزرگ اقتصادی آمریکا^{۲۷}، ضربه شدیدی به این محله وارد کرد. ولی بدترین دشمن محله، دولت محلی تبعیض‌گر شیکاگو بود که به طور غیررسمی آنها را از اجاره و خرید املاک بیرون از "کمربند سیاه"، منع می‌کرد. به همین سبب قیمت اجاره، در ساختمان‌های رها شده برنزویل (متعلق به سپیدپوست‌های ساکن محلات دیگر)، بالاتر از محلات ثروتمند سپیدپوست نشین بود. در سال ۱۹۴۱، دولت محلی، پروژه‌های مسکونی بزرگ مقیاسی در برنزویل ساخت که پیامدهای ویرانگری داشت. به علت ناتوانی بسیاری از آفریقا - آمریکایی‌های کم‌درآمد، از یافتن خانه در دیگر نواحی، این مجموعه‌ها به سرعت پرجمعیت شد و جرم، بزهکاری و آلودگی‌های سراسر شهر را فراگرفت (<http://wiki-travel.org/en/Chicago/Bronzeville>).

این ناهنجاری‌ها موجب شد تا تلاش‌هایی برای بازسازی برنزویل در قالب سند یاد شده صورت گیرد. فرایند انجام پروژه بر مبنای مشارکت ساکنان محله در تمامی مراحل، بر پایه نمایش و حفاظت از خاطرات جمعی و تاریخی آنان بود. این پروژه با کسب موفقیت‌های فراوان، کیفیت زندگی رادار این محله ارتقا داده و جاذب جمعیت فراوانی شد که به منظور تفریح و گردش به آنجا می‌آیند. بلوار مارتین لوتر کینگ (مدافع حقوق سیاهان که در جریان اعتراض‌ها، به قتل رسید)، به عنوان ستون فقرات برنزویل، ساماندهی شده و عامل پیونددهنده این محله با محله‌های همجوار گردید. در این پروژه "مجسمه برنزی" ۴/۵ متری به عنوان نماد مهاجرت عظیم سیاهان از جنوب به شمال آمریکا توسط هنرمندان برنزویل، طراحی و اجرا شد. این مجسمه پیکره سیاه‌پوستی است با چمدان و لباس‌های کهنه و پاره، که گویای راه پرفراز و نشیب او از جنوب به شمال به امید آینده روشن، که دست خود را به نشانه موفقیت و امید بالا برده است (تصویر ۲). "نقشه برنزی منطقه" (تصویر ۴)، یکی دیگر از آثار ساخته شده در این پروژه است که نقشه برنزویل را به همراه نقاط مهم تاریخی، معماری، بوستان‌ها و مدارس نشان می‌دهد. همچنین با پیشنهاد پروژه "پرتله‌های شیکاگو" توسط سازمان ائتلاف مراکز فرهنگی محله‌های شیکاگو بر پایه پیشنهاد اداره امور فرهنگی شهرداری، و با هدف بازسازی کالبد از طریق تاریخ، قومیت و فرهنگ، پرتله افرادی که منشا خدماتی در محله بودند و تاکنون مورد قدردانی قرار نگرفته‌اند، به همراه داستان زندگی شان در یک نمایشگاه دائمی ارائه گردید (تصویر ۱). تاریخ و قومیت‌های شیکاگو نیز به کمک "هنر موزائیک" در فضاهای شهری، بازنمایی شد (تصویر ۶). از این گذشته در پروژه دیگری با نام "چشم بردیوارهای شهر شیکاگو" ساکنین و هنرمندان محله به زیباسازی دیوارها و لبه‌های رها شده با یک اثر هنری همگانی

برای مثال، ایجاد حس تعلق به مکان از طریق خاطره جمعی، در بعد اقتصادی می‌تواند موجب تمایل به سرمایه‌گذاری میان سرمایه‌گذارانی شود که به دلیل خاطره داشتن از مکان، تعلق خاصی به مکان مورد نظر دارند. همچنین حس تعلق در بعد اجتماعی موجب تقویت روحیه مشارکت‌پذیری افراد شده، و تقویت روحیه مشارکت‌پذیری افراد، به نوبه خود موجب افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری، مشارکت در نوسازی اقتصاد شهری، ارتقای کیفیت کالبدی محیط و تسهیل همکاری با بخش دولتی (در ابعاد اقتصادی، کالبدی-فضایی و مدیریتی بازنده سازی) می‌شود. تلاش برای حفاظت از محیط زیست و پاکیزه نگهداشتن آن در افرادی که از حس تعلق قوی نسبت به مکان برخوردارند، به مراتب بیشتر است. خاطرات جمعی، به دلیل برقراری پیوند میان اعضای یک جامعه، در ایجاد انسجام اجتماعی موثرند. انسجام اجتماعی در بعد اجتماعی، موجبات تقویت حیات اجتماعی، افزایش امنیت اجتماعی (به دلیل وجود نظارت و کنترل قوی در یک اجتماع منسجم) و افزایش روحیه مشارکت‌پذیری را فراهم می‌کند. همچنین در یک اجتماع منسجم، امکان اهتمام افراد در حفاظت از محیط زیست، بیشتر است. انسجام اجتماعی، از طریق سازماندهی مدیریت محلی در بعد مدیریتی بازنده سازی نیز تاثیرگذار است. از این رو خاطرات جمعی در بعد مدیریتی نیز می‌توانند پیشبرد پروژه‌های بازنده سازی شهری را آسان‌تر کنند. کارکرد دیگر خاطرات جمعی، ایجاد و ارتقای حس مکان است. خاطرات جمعی، علاوه بر ارتقای حس مکان، خود از سرمایه‌های فرهنگی یک شهر یا مجموعه زیستی به شمار می‌روند و از این طریق می‌توانند نقش مهمی در جذب گردشگران و توسعه توریسم بازی کنند. همچنین به وجود آمدن حس مکان، در نتیجه وجود خاطرات جمعی درباره مکان، موجب ایجاد فضاهای نقش‌انگیز خواهد شد که تصویری منسجم، شفاف و به یاد ماندنی در ذهن ایجاد می‌کنند. مطالب یاد شده برخی از تأثیراتی می‌باشد که خاطرات جمعی بر ابعاد گوناگون بازنده سازی بافت‌های شهری و مجموعه‌های زیستی می‌گذارند (نمودار ۳).

۴- مروری بر یک تجربه موفق: نقش خاطرات جمعی در بازسازی برنزویل شیکاگو

کلانشهرهایی مانند شیکاگو یا نیویورک در سال‌های ۲۰۰۰ میلادی، با معضلات فراوانی همچون وجود خیابان‌خواب‌ها، قتل، فحشا، دزدی و بزهکاری درگیر بودند. بازنده سازی مرکز کلانشهر شیکاگو، یکی از پروژه‌های تجدید حیات شهری است که در سال ۱۹۹۴ در قالب سند "برنامه توسعه راهبردی جنوب مرکز شهر: بازسازی برنزویل و زندگی پیرامون بولوارها" آغاز شد. هدف عمده این پروژه، بازسازی این منطقه بر پایه تاریخ، خاطره جمعی و قومیت‌های ساکن در آن، بوده است (پیروز، ۱۳۸۰، ۷۹). برنزویل را می‌توان مکان روایی تاریخی آفریقا-آمریکایی‌ها دانست. با آغاز مهاجرت نخستین گروه آفریقایی تبارهای مقیم جنوب آمریکا به شیکاگو در سال ۱۷۷۹، بردگان آزاد شده پس از



تصویر ۳- نقاشی دیواری.

ماخذ: <http://wikitravel.org/en/Chicago/Bronzeville>



تصویر ۲- مجسمه برنزی، برنزویل، شیکاگو.

ماخذ: <http://www.neweastmanchester.com>



تصویر ۱- مجسمه هارولد، برنزویل، شیکاگو

ماخذ: <http://www.neweastmanchester.com>



تصویر ۶- هنر موزائیک.

ماخذ: <http://www.blackcouthours.com>



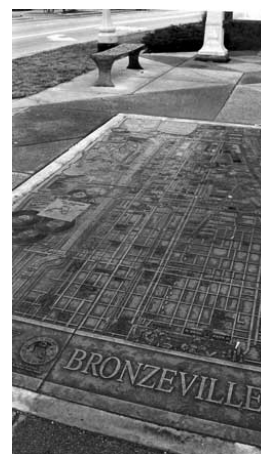
تصویر ۷- کافه های خیابانی.

ماخذ: <http://www.qcdc.org>



تصویر ۵- گروه موسیقی، برنزویل، شیکاگو.

ماخذ: <http://dig.lib.niu.edu>



تصویر ۴- نقشه برنزی برنزویل.

ماخذ: <http://dig.lib.niu.edu>

شهروندان، تبدیل شد. بنابراین پروژه باززنده سازی مرکز شهر شیکاگو (برنزویل) به کمک پروژه هایی مانند "مجسمه برنزی"، "نقشه برنزی"، "مجموعه ۲۳ نیمکت"، "چشم بردیوارهای شهر شیکاگو" و "هنر موزائیک" در بازتعریف حس مکان عملکرد موفق داشته است.

در مجموع پروژه باززنده سازی محله برنزویل، با حسن استفاده از خاطرات جمعی ساکنان، در ایجاد حس مکان، تقویت حس تعلق افراد به محله و انسجام اجتماعی موفق بوده و در نتیجه سبب بالا رفتن روحیه مشارکت پذیری افراد شده است. همچنین به طور غیرمستقیم باعث جذب سرمایه گذاری بخش خصوصی، نگهداری محیط زیست و مبلمان شهری توسط ساکنین و نقش انگیزی مکان در ذهن افراد گشته است. دستاورد نهایی این پروژه، دگرگونی چهره این محله در اذهان عموم از محله ای شلوغ، کثیف، ناامن و ترسناک به فضایی جاذب و امن برای گردشگران می باشد. اکنون با تاریخ شدن هوا، برنزویل از جمعیت خالی نشده، بلکه حضور گروه های نمایشی، رقص و موسیقی محلی، شهروندان را برای گذران اوقات فراغت به این محله فرامی خواند (تصاویر ۵ و ۷).

همانگونه که در نمودار ۴ نشان داده شده، در واقع پروژه های

پرداختند (پیروز، ۱۳۸۰، ۸۴-۷۸) (تصویر ۳).
 پروژه باززنده سازی محله برنزویل با رویکرد حفظ و تقویت خاطرات جمعی محله و جلب مشارکت شهروندان انجام شده است. این پروژه بدین منظور از طریق تعریف پروژه های موضوعی متنوع مانند پروژه های "چشم بردیوارهای شهر شیکاگو"، "هنر موزائیک"، "مجسمه برنزی"، "نقشه برنزی محله" و "مجموعه ۲۳ نیمکت"^{۲۸}، و برنامه "تو کیستی"^{۲۹} مردم را به عرصه فعالیت در جریان باززنده سازی محله فراخوانده است و به نتایج جالب توجهی در این زمینه دست یافته است. شایان ذکر است، پیوند این پروژه ها با خاطرات جمعی ساکنین از یک سو و صرف هزینه، زمان و انرژی توسط شهروندان در انجام این پروژه ها از سوی دیگر، موجب بالا رفتن "حس تعلق" و تقویت "انسجام اجتماعی" شده و همچنین، موجب شکل گیری اهداف مشترک در میان ساکنان شده، و در نتیجه موجب "ارتقای روحیه مشارکتی" شهروندان این محله، گشته است. یکی دیگر از نتایج جالب توجه این پروژه، استفاده از تصویر این مجسمه به عنوان لوگوی شورای شهر در برنزویل می باشد، که بدین صورت به نماد رسمی محله برنزویل تبدیل شده است. "مجسمه برنزی" مورد توجه فراوانی قرار گرفت و به وجه تمایز و نماد محله برنزویل در میان عموم

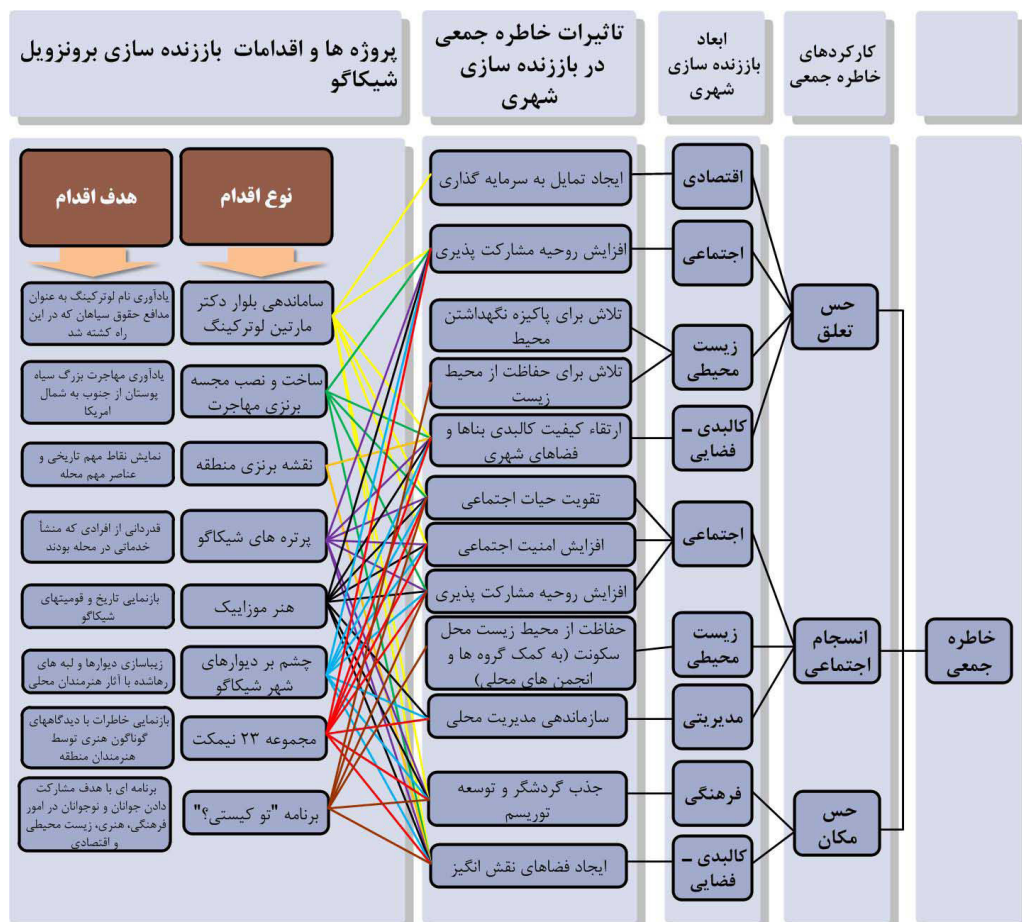
سوخته، ... و همچنین بناهای ارزشمند معاصر همچون آرامگاه کاشف السلطنه پدر کشت چای در ایران به چشم می خورد، همچنین آیین های کهنی در این شهر وجود دارد که مردم شهر به ویژه ساکنان بافت قدیم با اعتقاد خاصی آن را انجام می دهند. برای نمونه، دسته های سوگواری در شهر با انسجام و ترتیب خاصی، بین هفت محله تاریخی حرکت می کنند و نوعی ساختار مذهبی را برای شهر رقم زده اند که با ساختار فضایی کهن شهر انطباق پیدا کرده است. اما امروزه انسجام ساختار کالبدی، عملکردی و معنایی این محلات با خیابان کشی های دوره پهلوی دستخوش دگرگونی های نامطلوبی شده است (تصویر ۸).

خیابان کشی های جدید، بلوک های شهری جدیدی ایجاد کرده که با محلات تاریخی انطباق ندارد و در نتیجه ارتباط عملکردی و همچنین ارتباط ذهنی - معنایی محلات با یکدیگر مخدوش شده است. مطرح شدن قطب جدید اکوتوریستی شهر در کنار شیطان کوه و استخر هم به این مساله دامن زده و تمام توجهات را به خود جلب کرده است. به نظر می رسد تصویر ذهنی شهر از یک شهر تاریخی و در عین حال دارای پتانسیل های اکوتوریستی، به یک شهر اکوتوریستی صرف در حال تغییر است. امروزه اغلب جوانان تصویری از برخی محلات تاریخی در ذهن ندارند. ساختار آیینی کهن شهر همانند ساختار تفریحی شهر در ذهن ها نقش نمی بندد. توجه نسل جوان به قطب جدید

به انجام رسیده توسط مدیریت شهری شیکاگو (ساماندهی بلوار، ساخت و نصب مجسمه برنزی، نقشه برنزی، پرتزه های شیکاگو، چشم بردیوارهای شهر و مجموعه ۲۳ نیمکت) به نوعی موجب ارتقای حس تعلق به مکان، ایجاد انسجام اجتماعی و ارتقای حس مکان گردیده و از آن طریق توانسته با ارتقای کیفیت در ابعاد کالبدی-فضایی، اجتماعی و فرهنگی موجبات باززنده سازی محله را فراهم آورد.

۵- مروری بر یک تجربه موردی ناموفق: ناحیه تاریخی لاهیجان، خاطره ای در میان فراموشی ها

لاهیجان به عنوان یکی از مراکز شهری تاریخی شمال کشور دارای هفت محله تاریخی با نام های اردوبازار، خومرکلیه، شعرباغان، امیرشهیید، میدان، گابنه و پرده سراس است که امروزه ناحیه تاریخی شهر را تشکیل می دهند. این محلات در زمان گذشته (تا دوره پهلوی دوم) از انسجام کالبدی، عملکردی و معنایی برخوردار بوده است. در این شهر، عناصر خاطره انگیزی چون تکایا و بقعه ها (مانند بقعه چهارپادشاه، و میر شمس الدین و ...)، مساجد (مانند مسجد جامع، مسجد شعرباغان، اکبری و ...)، حمام گلشن، خانه های ارزشمند تاریخی، کاروانسرای



نمودار ۴- هدف گذاری اقدامات مدیریت شهری شیکاگو و تأثیرات اقدامات در باززنده سازی برونزویل.

شناختی دریافت شده بوده است. درحالیکه عناصر تاریخی شهر همچون، محلات شهر، مونومان های تاریخی همچون تکیه میرشمس الدین، مسجد اکبریه، حمام گلشن، مسجد جامع، بقعه چهارپادشاه و... توسط درصد بسیار کمی از شهروندان در نقشه های شناختی شهروندان از لاهیجان ترسیم شده اند، میدان شهدا و خیابان امام خمینی به عنوان عناصر جدید واقع در ناحیه تاریخی شهر در بیش از نیمی از نقشه های نشان داده شده اند.

بیشتر پاسخ دهندگان در پاسخ به سوال دوم پرسشنامه «چند لحظه به لاهیجان فکر کنید؛ چه مکان هایی از آن به خاطرتان می آید؟»، به عناصر اکوتوریستی شهر همچون شیطان کوه و استخراج اشاره داشته اند (۳۵,۶ درصد به بام سبز و ۳۱,۲ درصد به استخراج). در این میان عنصر مهم تاریخی همچون بقعه چهارپادشاه با ۲۴,۴ درصد در رده سوم میزان پاسخ ها و محلات و بافت قدیمی شهر در رده ای پایین تر و پس از مونومان هایی همچون بقعه شیخ زاهد و آرامگاه کاشف قرار گرفته است (نمودار ۵). همچنین این شهروندان در پاسخ به سوال سوم «با شنیدن بافت تاریخی لاهیجان چه مکان یا رویدادی به یادتان می آید؟»، بیشتر از همه به مونومان های تاریخی همچون بقعه چهارپادشاه اشاره کرده اند.

درصد بسیار کم اشاره شهروندان به عناصر ناحیه تاریخی در مقایسه با عناصر بخش اکوتوریستی شهر (همچون استخراج، شیطان کوه) و یا حتی عناصری مانند آرامگاه کاشف نشانگر کم رنگ شدن و در حاشیه قرار گرفتن ناحیه تاریخی در تصویر ذهنی افراد است. همچنین درصد بسیار پایین اشاره شهروندان به عناصر مهمی از ناحیه تاریخی که در درون بافت ها واقع شده اند و بسنده کردن آنان به عناصر در معرض دید همچون بقعه چهارپادشاه و ...

گردشگری شهر معطوف شده و هر چند خاطره ای از آیین های تاریخی - مذهبی موجود در ذهن این نسل، هنوز وجود دارد، اما در صورت بی توجهی به قطب تاریخی و ساختار مذهبی - آیینی شهر، این خاطرات از ذهن ها زدوده شده و قطب تاریخی شهر با تمام خاطرات و معانی انضمامی جایگاه خود را در ساختار فضایی شهر و تصور ذهنی شهروندان از دست خواهد داد و شهر هویت منحصر به فرد تاریخی خود را از دست خواهد داد. چه بسا، کالبد این ناحیه نیز مورد تعدی و تجاوز قرار گیرد.

در این بخش از نوشتار حاضر با هدف استخراج نقاط ضعف و سهل انگاری های مدیریت شهری در یک نمونه بارز از نواحی تاریخی کشورمان (لاهیجان) در خصوص به کارگیری خاطرات جمعی و باززنده سازی ناحیه تاریخی و مقایسه آن با نمونه موردی برونزویل، و پیشنهاد راهکارهای ممکن در قالب چارچوب نظری ارائه شده، ذهن کاوی شهروندان و استخراج آیین ها و عناصر خاطره انگیز و مشکلات و معضلات موجود با روش ارزیابی منظر ذهنی شهروندان و با به کارگیری تکنیک پرسشنامه و مصاحبه و استفاده از ابزار تهیه نقشه های شناختی از شهروندان، مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. پرسشنامه ارائه شده در برگزیده نه پرسش کلیدی بوده و یک جامعه آماری ۵۰ نفره از سنین و جنسیت های مختلف را مورد مطالعه قرار داده است^{۳۰}. بر پایه پاسخ های شهروندان به هر یک از سوالات و تحلیل آماری آن، ضمن استنتاج و استنباط ضعف ها و خلاهای موجود در ناحیه تاریخی لاهیجان، پیشنهاداتی در خصوص برطرف شدن این ضعف ها مطرح گردیده است.

در اولین پرسش این پرسشنامه، مطالعه نقشه های شناختی شهروندان نشان می دهد که سهم عناصر ناحیه تاریخی شهر در تصویر ذهنی شهروندان، پایین تر از ۲۵ درصد کل نقشه های



تصویر ۸- تصاویری از بافت تاریخی لاهیجان، تصاویر بالا از راست: تصویر تاریخی از بقعه چهارپادشاه (آرشیو شخصی سرکار خانم آریایی فر)، تکیه پیرعلی گابنه، خانه قدیمی در محله میدان، تصاویر پایین از راست: سردر تکیه میرشمس الدین محله اردو بازار، آیین چهل منبر، گذری در محله گابنه.

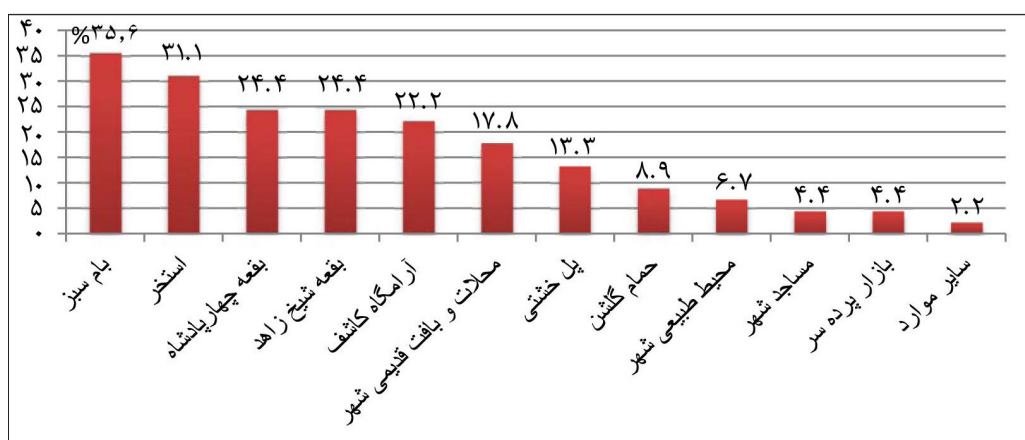
ماخذ: (حسینی کومله، ۱۳۸۸)

نیز، به مناطق نزدیک به استخر و بام سبز (از جمله خیابان کارگر یا زیرکوه) اشاره داشته‌اند (حدود ۵۷,۱ درصد) (نمودار ۶). مردم از رویدادها و فعالیت‌هایی که ناحیه تاریخی انجام می‌شود و از برخی عناصر تاریخی آن خاطره دارند اما کیفیت نامطلوب محیط، رهاشدگی و نابسامانی‌های عملکردی، موجب نارضایتی آنان از این ناحیه شده و آنان متاثر از هجوم گردشگران به عناصر زیبای اکولوژیک شهر از ناحیه تاریخی شهرویرگردان شده‌اند. برپایه پاسخ‌های شهروندان به نهمین پرسش در خصوص مشکلات محل زندگی یا اشتغال می‌توان دریافت که مهم‌ترین علت‌های گریزان شدن مردم از ناحیه تاریخی شهر، کمبود امکانات و کیفیت نامناسب محیط می‌باشد.

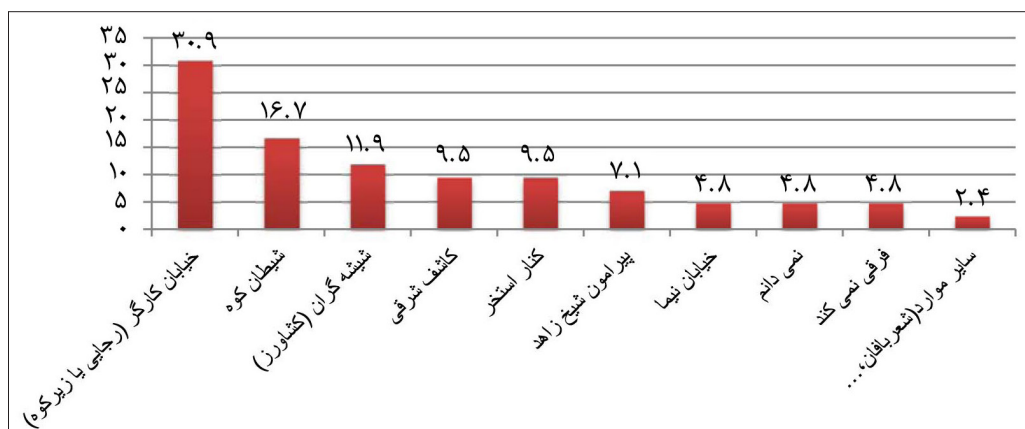
در نمونه برونزویل، ضمن مطالعه یک تجربه موفق، تحلیلی بر روی پروژه‌های خرد به انجام رسیده در راستای باززنده‌سازی محله با کمک خاطرات جمعی انجام شده، اما در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان بر پایه تحلیل انجام شده بر روی پرسشنامه و نقشه‌های شناختی دریافتی، ضمن شناسایی خلأها و ضعف‌های موجود، اقداماتی که در نتیجه سهل‌انگاری و کم‌توجهی مدیریت شهری صورت واقعیت به خود نگرفته، پیشنهاد گردیده‌اند. همانگونه که در جدول ۱ نشان داده شد، بر پایه تحلیل پاسخ‌ها به سه پرسش نخست می‌توان کم‌رنگ شدن محلات

نشانگر تحت‌الشعاع قرارگرفتن بافت محلات توسط خیابان‌های جدید تجاری شهر و کاهش ارتباط فضایی محلات با یکدیگر می‌باشد. هرچند ساختار فضایی محلات توسط خیابان‌های جدید در ذهن افراد مخدوش شده، اما توجه شهروندان به رویدادها و فعالیت‌هایی همچون دسته‌های عزاداری هفت‌محل به همراه آیین‌هایی همچون چهل‌منبر و مراسمی همچون شب هفتم امام، کرب‌زنی و... به عنوان مهم‌ترین اتفاق سال نشان می‌دهد، همچنان ساختار آیینی کهن شهر در ذهن شهروندان جایگاه ویژه‌ای دارد. بیشترین تعداد شهروندان در پاسخ به سوال شماره ۴ «به نظر شما مهم‌ترین اتفاقی که در سال در لاهیجان می‌افتد چیست؟»، به مراسم سوگواری هفت‌محل و آیین‌های مربوط بدان اشاره داشته‌اند.

همچنین شهروندان در پاسخ به سوال‌های ۶ و ۷ و ۸ پرسشنامه در خصوص ارزیابی ترجیحات محیطی و منظر ذهنی-ارزیابانه دو عنصر اکوتوریستی مهم شهر را زیباترین و نیز خاطره‌انگیزترین عناصر شهر لاهیجان می‌دانند (سوال‌های شماره ۸ و ۶). همچنین این شهروندان محله‌های قدیمی شهر را در وضع موجود، زشت‌ترین مکان شهر می‌دانند (سوال شماره ۷). بیشتر شهروندان در پاسخ به سوال ۵ پرسشنامه «اگر به شما بگویند در هر مکانی که در لاهیجان دوست دارید می‌توانید زندگی کنید، کجا را انتخاب می‌کنید؟»



نمودار ۵- میزان پاسخگویی شهروندان به پرسش شماره دو: "چند لحظه به لاهیجان فکر کنید؛ چه مکان‌هایی از آن به خاطرتان می‌آید؟"



نمودار ۶- میزان پاسخگویی به پرسش شماره ۵: "اگر به شما بگویند در هر مکانی که در لاهیجان دوست دارید می‌توانید زندگی کنید، کجا را انتخاب می‌کنید؟"

انسجام اجتماعی و پیوند میان مردم علی‌رغم تضعیف حس مکان در محلات تاریخی می‌باشد. در اینجا به منظور تاکید و تقویت انسجام اجتماعی موجود می‌توان حفاظت از آیین‌ها، برگزاری تعزیه و نمایش‌های خیابانی بر پایه آیین‌های محلی در فضاهای مهم شهری از جمله میدان چهارپادشاه، تکایای واقع در مراکز محلات قدیم شهر را به عنوان یک راهکار پیشنهاد نمود. تحلیلی بر نوع پاسخ‌ها به پرسش‌های پنجم، ششم، هفتم، هشتم و نهم به نوعی دال بر کیفیت کالبدی پایین محلات تاریخی شهر، کمبود امکانات و وضعیت نامناسب محیطی، غلبه مناطق اکوتوریستی شهر بر محلات و عناصر تاریخی شهر در تصویر ذهنی شهروندان و نهایتاً کمرنگ شدن محلات و عناصر تاریخی در تصویر ذهنی شهروندان می‌باشد که این مسائل را می‌توان به نوعی ناشی از کاهش حس تعلق به مکان‌های تاریخی و کاهش حس مکان در آنها دانست. استفاده از هنرهای همگانی (نقاشی‌های دیواری، پرتره‌ها، مجسمه‌ها و ...) متناسب با بافت تاریخی در محلات قدیم شهر با تاکید بر بازنمایی آیین‌ها و خاطرات جمعی شهروندان و به کارگیری آثار هنری هنرمندان بومی منطقه در ارتقای کیفیت فضاهای همگانی راهکارهایی هستند که در کنار سایر راهکارهای پیشنهادی در این بخش می‌توانند زمینه ارتقای حس تعلق به مکان و ارتقای حس مکان در محلات و در پی آن رفع مشکلات مورد اشاره را فراهم نمایند.

و عناصر تاریخی در تصویر ذهنی شهروندان، غلبه مناطق اکوتوریستی شهر بر محلات و عناصر تاریخی شهر در تصویر ذهنی شهروندان، غلبه مونومان‌ها و عناصر تاریخی بر کلیت محلات، از میان رفتن انسجام در ساختار بافت تاریخی شهر را به عنوان مهم‌ترین ضعف‌های موجود ناحیه تاریخی لاهیجان شناسایی کرد که این موارد به نوعی از پیامدهای کاهش حس مکان در محلات تاریخی به شمار می‌روند. بر پایه مطالعه مختصری بر روی بافت تاریخی لاهیجان و همچنین نگاهی به تجربه موفق اقدامات مدیریت شهری برونزویل اتخاذ راهکارهایی همچون حفاظت، مرمت و برجسته‌نمایی ابنیه ارزشمند تاریخی از طریق نورپردازی و علایم محیطی، ارتقای کیفیت کالبدی و ایجاد هویت یکپارچه از طریق طراحی و به‌کارگیری عناصر هماهنگ (کفسازی، جداره سازی، علایم محیطی و ...) در طول گذرهای ارگانیک ناحیه تاریخی و مکان‌یابی، طراحی و پیشنهاد عناصر و علایم هماهنگ گرافیک محیطی (کتیبه‌های معرفی، لوگوهای محلات تاریخی، تابلوهای راهنما و ...) می‌تواند ضمن انسجام بخشی به بافت تاریخی، ارتقای حس مکان در محلات را در پی داشته و حضور محلات و ناحیه تاریخی را در تصویر ذهنی شهروندان پررنگ‌تر گرداند.

پاسخ‌ها به پرسش چهارم و حضور پررنگ سوگواری و آیین‌های منحصر به فرد مذهبی در میان پاسخ‌ها، نشان‌دهنده

جدول ۱- تحلیل آماری پرسشنامه ارائه شده به شهروندان در خصوص ناحیه تاریخی لاهیجان، استنتاج ضعف‌ها و تهدیدها و همچنین راهکارهای پیشنهادی.

پرسش‌های پرسشنامه	نوع و میزان پاسخگویی شهروندان به پرسش‌ها	نقاط ضعف موجود	دسته‌بندی با توجه به کارکردهای خاطره جمعی	راهکار پیشنهادی
پرسش نخست: لطفاً یک نقشه یا کروکی از شهر لاهیجان در پشت صفحه ترسیم کنید؟	- عناصر تاریخی شهر همچون محلات شهر، مونومان‌های تاریخی: پایین‌تر از ۲۵ درصد نقشه‌های شناختی شهروندان - میدان شهدا و خیابان امام خمینی (عناصر جدید شهر): بیش از نیمی از نقشه‌ها	کمرنگ شدن محلات و عناصر تاریخی در تصویر ذهنی شهروندان	کاهش حس مکان در محلات تاریخی	- حفاظت، مرمت و برجسته‌نمایی ابنیه ارزشمند تاریخی از طریق نورپردازی و علایم محیطی - ارتقای کیفیت کالبدی و ایجاد هویت یکپارچه از طریق طراحی و به‌کارگیری عناصر هماهنگ (کفسازی، جداره سازی، علایم محیطی و ...) در طول گذرهای ارگانیک ناحیه تاریخی
پرسش دوم: چند لحظه به لاهیجان فکر کنید؛ چه مکان‌هایی از آن به خاطرتان می‌آید؟ چرا؟	بام سبز ۳۵٫۶ درصد / استخر ۳۱٫۲ درصد / بقعه چهارپادشاه ۲۴٫۴ درصد / بقعه شیخ زاهد ۲۴٫۴ درصد / آرامگاه کاشف ۲۲٫۲ درصد / محلات و بافت تاریخی ۱۷٫۸ درصد	- غلبه مناطق اکوتوریستی شهر بر محلات و عناصر تاریخی شهر در تصویر ذهنی شهروندان و غلبه مونومان‌ها و عناصر تاریخی بر کلیت محلات	کاهش حس مکان در محلات تاریخی	- مکان‌یابی، طراحی و پیشنهاد عناصر و علایم هماهنگ گرافیک، لوگوهای محلات تاریخی، تابلوهای راهنما و ...
پرسش سوم: با شنیدن بافت تاریخی لاهیجان چه مکان‌هایی را یادآوری می‌کند؟	بقعه چهارپادشاه، شیخ زاهد و پل خشتی هرکدام ۳۲٫۵ درصد / آرامگاه کاشف ۲۵٫۶ درصد / مساجد ۱۱٫۶ درصد / بافت و خانه‌های تاریخی ۹٫۳ درصد	- غلبه مونومان‌ها و عناصر تاریخی بر کلیت محلات - از میان رفتن انسجام در ساختار بافت تاریخی شهر	کاهش حس مکان در محلات تاریخی	
پرسش چهارم: به نظر شما مهم‌ترین اتفاقی که در سال در لاهیجان می‌افتد چیست؟	سوگواری و آیین‌های منحصر به فرد مذهبی ۳۱٫۲ درصد / هجوم مسافران ۲۴٫۴ درصد / کشاورزی و برداشت چای، برنج و ابریشم ۲۴٫۴ درصد	-----	وجود انسجام اجتماعی و پیوند میان مردم علی‌رغم کاهش حس مکان در محلات تاریخی	- حفاظت از آیین‌ها، برگزاری تعزیه و نمایش‌های خیابانی بر پایه آیین‌های محلی در فضاهای مهم شهری از جمله میدان چهارپادشاه، تکایای واقع در مراکز محلات قدیم شهر

<p>- استفاده از هنرهای همگانی (نقاشی های دیواری، پرتره ها، مجسمه ها و ...) متناسب با بافت تاریخی در محلات قدیم شهر با تاکید بر بازنمایی آیین ها و خاطرات جمعی شهروندان - به کارگیری آثار هنری هنرمندان بومی منطقه در ارتقای کیفیت فضاهای همگانی</p>	<p>کاهش حس تعلق به مکان های تاریخی</p>	<p>کیفیت کالبدی پایین محلات تاریخی شهر</p>	<p>خیابان کارگر (رجایی یا زیر کوه) ۳۰,۹ درصد / شیطان کوه ۱۶,۷ درصد / خیابان تجاری جدید شیشه گران ۱۱,۹ درصد / کنار استخر ۹,۵ درصد / سایر موارد (از جمله محلات تاریخی) ۲,۴ درصد</p>	<p>پرسش پنجم: اگر به شما بگویند در هر مکانی که در لاهیجان دوست دارید می توانید زندگی کنید، کجا را انتخاب می کنید؟</p>
	<p>کاهش حس تعلق به مکان های تاریخی کاهش حس مکان در محلات تاریخی</p>	<p>- غلبه مناطق اکوتوریستی شهر بر محلات و عناصر تاریخی شهر در تصویر ذهنی شهروندان کیفیت کالبدی پایین محلات تاریخی شهر</p>	<p>شیطان کوه (بام سبز) ۵۶,۱ درصد / استخر ۳۹ درصد / آرامگاه کاشف، باغات چای، شیخ زاهد، شیشه گران ۴,۹ درصد</p>	<p>پرسش ششم: زیباترین مکان لاهیجان؟ ...</p>
	<p>- کاهش حس تعلق به مکان های تاریخی - کاهش حس مکان در محلات تاریخی</p>	<p>کیفیت کالبدی پایین محلات تاریخی شهر</p>	<p>محلله های قدیمی ۳۸,۱ درصد / لاهیجان مکان زشت ندارد ۲۳,۸ درصد / خالوباغ و حاجی آباد ۱۶,۷ درصد</p>	<p>پرسش هفتم: زشت ترین مکان لاهیجان؟ ...</p>
	<p>کاهش حس مکان در محلات تاریخی</p>	<p>کمرنگ شدن محلات و عناصر تاریخی در تصویر ذهنی شهروندان</p>	<p>بام سبز ۳۵,۹ درصد / استخر ۳۵,۹ درصد / کوچه ها و محله های تاریخی شهر ۱۰,۳ درصد / پارک شهر و شیخ زاهد هرکدام ۵,۱ درصد</p>	<p>پرسش هشتم: خاطره انگیزترین مکان لاهیجان؟ ...</p>
	<p>کاهش حس تعلق به مکان های تاریخی</p>	<p>کمبود امکانات و وضعیت نامناسب محیطی</p>	<p>کمبود فرصت های شغلی ۲۰ درصد / نامناسب بودن وضعیت آسفالت ۲۰ درصد / کمبود امکانات ورزشی، تفریحی ۱۵ درصد / ترافیک ۱۲,۵ درصد</p>	<p>پرسش نهم: از چه مشکلاتی در محل زندگی یا اشتغالتان رنج می برید؟</p>

نتیجه

قرار گرفته است). پس از مطالعه و تحلیل اقدامات انجام شده در برونزویل، با تکنیک پرسشنامه و دریافت نقشه های شناختی، ذهن کاوی شهروندان لاهیجان در خصوص ناحیه تاریخی شهر به انجام رسید و در پی آن ضمن استنتاج نقاط ضعف موجود، به پیشنهاد راهکارهایی در زمینه احیای ناحیه تاریخی شهر با استفاده از چارچوب نظری پیشنهادی پرداخته شده است. این مطالعه تا حدودی توانسته است چگونگی استفاده از خاطرات جمعی شهروندان را در راستای احیاء و باززنده سازی بافت های شهری نشان دهد و به برخی راهکارها و تمهیدات استفاده از خاطره جمعی در باززنده سازی شهری مانند استفاده از هنرهای همگانی متناسب با بافت تاریخی، به کارگیری آثار هنرمندان بومی منطقه، حفاظت از آیین ها و برگزاری نمایش های آیینی خاطره انگیزی همچون تعزیه در فضاهای اصلی تاریخی شهر و ... اشاره نماید. با این حال تحلیل و طبقه بندی مشخص راهکارها و تمهیدات طراحانه و تکنیک ها و رویکردهایی که می توان از آن طریق خاطره های جمعی را تقویت یا بازنمایی نمود، از دامنه مطالعاتی این مقاله خارج بوده و خود، نیازمند جستجوی دقیق و مطالعه ای موشکافانه با این هدف می باشد.^{۳۱}

کنکاشی نظری در زمینه خاطره جمعی در متون علمی رشته های مختلف دانشگاهی همچون جامعه شناسی، روان شناسی اجتماعی، جغرافیای انسانی، معماری، شهرسازی و ... نمایانگر اهمیت و نقش خاطره جمعی در ایجاد تصویر ذهنی-زمانی از شهر، ایجاد حس روشنی از گذشته مشترک، ایجاد هویت شخصی و مکانی، پیوند با اشیاء و مکان ها، توافق و پیوند میان اعضای جامعه می باشد. بر این اساس، نوشتار پیش رو با هدف بررسی نقش خاطرات جمعی در باززنده سازی شهری، ضمن اشاره به ایجاد و ارتقای "حس تعلق"، "حس مکان" و "انسجام اجتماعی" به عنوان کارکردهای روان شناختی، محیطی و اجتماعی خاطره نشان می دهد که چگونه می توان از طریق این کارکردها، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، فرهنگی، عملکردی، کالبدی-فضایی و مدیریتی باززنده سازی بافت های شهری را به عنوان چشم انداز و اقدام جمعی که به حل مشکلات شهری می انجامد و می کوشد بهبود مستمری را در شرایط زیست محیطی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی بافت های شهر به ارمغان آورد؛ تحت تاثیر قرار داده و موجب بازگرداندن زندگی دوباره به بافت شهری شد (همانگونه که در برونزویل شیکاگو نیز مورد مطالعه

سپاسگزاری

نگارندگان این نوشتار، در پایان مراتب سپاسگزاری خود را از راهنمایی های ارزنده استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمد مهدی عزیزی که در تکمیل مقاله حاضر تأثیر به سزایی داشته، اعلام می دارند.

پی نوشت ها

به قیمتی ارزان، افزایش مشارکت مردم و سازمان های محلی، کاهش جرم، جنایت و فساد در بافت های کهن و بالا بردن کیفیت خدمات اجتماعی در بافت قدیم، اهداف فرهنگی همچون توجه به بناها و مجموعه های تاریخی به مثابه یک ثروت نه یک میراث، سیاست ها و راهبردهای کالبدی همچون بهسازی بناهای با ارزش تاریخی، انتقال کلیه کاربری های مزاحم به خارج از بافت کهن، حفظ و نگهداری از ساختمان های موجود و افزایش فضاهای باز و نیز اهداف عملکردی همچون تاکید سیاست ها و راهبردهای آمد و شد بر جدا کردن مسیرهای سواره از پیاده و توجه سیاست ها و راهبردهای تاسیسات و تجهیزات شهری به معاصر سازی می باشد (حبیبی، مقصودی، ۱۳۸۶، ۹۴-۹۵).

26 Legible.

27 The Great Depression.

۲۸ مجموعه ۲۳ نیمکت با نام های متفاوت برگرفته از خاطرات جمعی افراد با دیدگاه های گوناگون هنری توسط هنرمندان محله طراحی و ساخته شد. سه نیمکت فاقد عنوان است. ولی بقیه هر یک دارای عنوانی است که حکایت از فرهنگ و تاریخ محله دارد. بدن، روح، جوانی، زوج شاد، ملکه امه یا (Emmeya)، گیتار، قدمی در گرداگرد محله، لوئیس و لیل از جمله نامهای نیمکت ها هستند (پیروز، ۱۳۸۰، ۸۲).

۲۹ برنامه "تو کیستی؟" که پیشگامان هنرهای محله ای بولوار بزرگ آن را طراحی کرده اند، برنامه مشابه دیگری است. چند سازمان جوانان عهده دار این برنامه بودند. شعارهای این برنامه عبارتند از: تو رنگارنگی (استفاده از رنگین کمان برای نقاشی دیوارها)، تو دراماتیکی (استفاده از جوانان و نوجوانان در طراحی نمایش های خیابانی و مردمی)، تو صاحب حرفه ای (آموزش حرفه های گوناگون به جوانان و نوجوانان به وسیله بنگاه های شهری)، تو سبزی (مشارکت دادن جوانان و نوجوانان در حفظ و توسعه فضای سبز)، تو عاقلی (مشارکت دادن جوانان و نوجوانان در حفظ میراث فرهنگی شهر)، تو جزئی از فناوری رایانه ای هستی؟ (آشنا کردن نوجوانان و جوانان با تحولات فناوری معاصر، رایانه و وسایل ارتباط جمعی در خدمت شهر)، تو مشارکت جویی (مشارکت دادن نوجوانان و جوانان در برنامه های متنوع محله ای) (پیروز، ۱۳۸۰، ۸۳).

۳۰ هر چند تعداد پنجاه مورد پرسشنامه در ابتدای امر جهت بررسی تصورات ذهنی شهروندان در ناحیه تاریخی لاهیجان کافی به نظر نمی رسید، اما با توجه به دقت در انتخاب مصاحبه شوندگان بر پایه سن، جنسیت، محل زندگی، موقعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین بررسی محتوای پاسخ ها که نشانگر اختلاف معنا دار پاسخ های گوناگون به سوالات بوده است، کفایت جامعه آماری تعیین شده برای نگارندگان با توجه به اهداف تحقیق به اثبات رسید.

۳۱ با همین رویکرد مقاله ای تحت عنوان "Methods and Techniques in use of Collective Memory for Increasing Sustainability of Urban Environments" از نگارندگان در مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی "پایداری شهری همه جانبه و ارزیابی آن" لاپارو انگلستان به چاپ رسیده است.

فهرست منابع

آریایی فر، کفایت (بی تا)، آرشینو شخصی عکس های تاریخی از شهرهای گیلان.

پاکزاد، جهان شاه (۱۳۸۷)، درس گفتار روان شناسی محیط، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

پیروز، پوریا (۱۳۸۰)، باززنده سازی مرکز کلانشهرها؛ پروژه ای فرهنگی، تجربه شیکاگو، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره پیاپی ۸، صص ۸۴-۷۸.

- 1 Collective Memory.
- 2 Group Mind Hypothesis.
- 3 Collective Psychology Tradition and Superorganism Tradition.
- 4 Emile Durkheim.
- 5 Emile Zola.
- 6 the Crowd.
- 7 Gustav Le Bon.
- 8 Maurice Halbwachs.
- 9 The Social Frameworks of Memory (1992).
- 10 The Collective Memory (1980).
- 11 Autobiographical Memory.
- 12 Material Artifact.
- 13 Urban Artifacts.
- 14 Image of Time.
- 15 Image of Place.
- 16 Yi-Fu Tuan.
- 17 Urban Likeability.
- 18 Imageability.

۱۹ جک نسر پنج عامل را در مهرانگیزی بودن یک مکان موثر می داند: طبیعی بودن (Naturalness)، نگهداری مناسب (Upkeep)، فضاهای باز (Openness)، اهمیت تاریخی (Historical Significance) و نظم (Nasar, 1997) (Order).

۲۰ چهار عامل عمده را می توان در ایجاد حس تعلق به مکان موثر دانست: ۱- کارکرد درست مکان ۲- اتصال به زمان (خاطرات و امیدها) ۳- معنا و نمادپردازی اشیاء موجود در مکان ۴- رنج و زحمتی که افراد برای ایجاد یا نگهداری مکان متحمل شده اند (پاکزاد، ۱۳۸۷).

- 21 Urban Regeneration.
- 22 City Image.
- 23 English Partnerships.

۲۴ در این سند (East Manchester Strategic Regeneration Framework) به ابعادی همچون ابعاد اقتصادی، آموزشی، مسکن، مباحث مربوط به خرده فروشی، اجتماع محلی، حمل و نقل، و تحقق پذیری باززنده سازی شهری توجه شده است.

۲۵ نکات مورد توجه مرمت شهری نیویورک عبارتند از: توسعه اجتماعی- محیطی و بهبود وضع مسکن، بازسازی شهری و ساخت مجدد، ایجاد اشتغال، به کارگیری نیروی بیکار در جامعه و افزایش مشارکت بخش خصوصی، کاهش جرائم و فساد، اسکان افراد جدید در خانه های نو بنیاد، تحول در سازمان اجتماعی محلات قدیم و ایجاد حیات مدنی، معاصر سازی تاسیسات و تجهیزات شهری و علاوه بر این پاکسازی محلات قدیم، تند کردن آهنگ دگرگونی همراه با ساخت و سازهای جدید، دسترسی روان سواره و ایجاد و افزایش توقفگاه ها به عنوان راهبردهای کالبدی مورد توجه قرار گرفته اند.

همچنین در مرمت شهری بالتیمور، احیای هویت و نقش فرهنگی-تاریخی شهر قدیم با تقویت توسعه اقتصادی و ایجاد یک منطقه جاذب گردشگری به عنوان اهداف کلی پروژه بوده و پروژه دارای اهداف اقتصادی همچون کسب درآمد و بازگشت سرمایه به کمک بخش خصوصی، افزایش تعداد شاغلان شهر قدیم، کاهش رکود اقتصادی، توسعه گردشگری به عنوان یک فعالیت درآمدزا و ایجاد انگیزه های جدید اقتصادی، اهداف اجتماعی همچون جلوگیری از جابجایی ساکنان بافت قدیم از طریق واگذاری زمین و بهسازی بناهای قدیمی

press, Massachusetts.

UNEP, Mediterranean Action Plan, Priority Actions Programme, Regional Activity Centre (PAP/RAC) (2004), *Guidelines for urban regeneration in the Mediterranean region*, <http://www.pap-thecoastcentre.org/UrbanZ20Regeneration.pdf>, visited at: June 2008.

Wilson, Robert (2005), *Collective Memory, group minds and the extended mind thesis*, <http://www.arts.ualberta.ca/~raw/collectmem.pdf>.

<http://www.neweastmanchester.com/research/strategic-regeneration-framework>, visited at: May 2008.

<http://www.neweastmanchester.com/research/strategic-regeneration>, visited at: May 2008.

<http://wikitravel.org/en/Chicago/Bronzeville>, visited at: September 2008.

<http://dig.lib.niu.edu/gildedage/culturaltourism/laurasummers/history.html>, visited at: September 2008.

<http://dig.lib.niu.edu/gildedage/culturaltourism/laurasummers/places.html>, visited at: September 2008.

http://en.wikipedia.org/wiki/Image:20071025_Harold_Washington_Cultural_Center_Statue.JPG, visited at: September 2008.

<http://www.chicagococal.org/COCAL6-photos/mural3-01.jpg>, visited at: September 2008.

http://www.blackcoutours.com/images/Bronzeville_homepage.jpg, visited at: September 2008.

<http://www.qcdc.org/display.aspx?pointer=3401>, visited at: September 2008.

<http://www.northwestern.edu/magazine/fall2007/images/side-bar/jackson-large.jpg>, visited at: September 2008.

http://www.thebarcc.org/images/logo_small.jpg, visited at: September 2008.

<http://www.stelizabethchicago.com/images/Img4.jpg>, visited at: September 2008.

<http://www.bronzeville-milwaukee.com/images/pic10.jpg>, visited at: September 2008.

حبیبی، محسن؛ مقصودی، ملیحه (۱۳۸۶)، مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعه‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

حسینی کومله، محسن (۱۳۸۸)، آرشپوش شخصی عکس از ناحیه تاریخی لاهیجان.

حسینی کومله، مصطفی (۱۳۸۸)، مدیریت خاطره جمعی به کمک طراحی شهری (نمونه موردی: ناحیه تاریخی لاهیجان)، پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی، تهران. گلکار، کورش (۱۳۷۸)، کندوکاوی در تعاریف طراحی شهری، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری شهرسازی ایران، تهران.

BURA (British Urban Regeneration Association) (2000), *Urban regeneration: a handbook*, Sage Publication, London.

Cowan, Robert (2005), *Dictionary of Urbanism*, Tisbury, Streetwise Press, Wiltshire.

Eyerman, Ron (2002), *Cultural trauma: slavery and the formation of African American Identity*, Cambridge University Press, Cambridge.

Halbwachs, Maurice (1980 [1950]), *The collective memory*, translated by Francis JD JV, Vid YP, reprinted by Harper Colophon Books.

Hall IV, R. Bruce. et al (1994), Place Identity: Symbols of self in the urban fabric, in *Landscape and Urban Planning*, 28 (2/3), pp109-120.

Lee, Kyu In; Rhee, Jang Ook (2007), *An Establishment of Key Issues and Planning Goals of Sustainable Urban Regeneration*, Sustainable Urban Regeneration in: Proceedings of the International Conference on Sustainable Building Asia, 27-29 June 2007, Seoul, Korea.

Lynch, Kevin (1972), *What time is this place?*, Cambridge, the MIT press, Massachusetts.

Nasar, Jack L. (1997), *the Evaluative Image of the City*, Sage Publications, London.

Roberts, Peter (2000), *The Evolution Definition and Purpose of Urban Regeneration*, vol.2 of "Urban regeneration: a handbook", Sage Publication, London.

Rossi, Aldo (1982), *The Architecture of the city*, Cambridge, the MIT